

توسعه اجتماعی و اقتصادی

چشم اندازی برای آینده

بیانیه مصوب بیت العدل اعظم

برای استفاده در هدایت و جهت دهی فعالیت

توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی در سراسر عالم

الف - جهت توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی

بیت العدل اعظم در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ خطاب به عالم بهائی دعوت به ادغام جریان های توسعه اجتماعی و اقتصادی در فعالیت های منظم جامعه اسم اعظم فرمودند. در طی ده سال گذشته، بسیاری از جوامع این دعوت را اجابت کرده و تعداد قابل ملاحظه ای از طرحها را که اکثراً در زمینه آموزشی اما برخی دیگر در زمینه های بهداشتی، کشاورزی و توسعه می باشد، شروع کرده اند که اینک فعالانه تعقیب می شود. معدودی از این طرحها به موقعیت سازمان های توسعه با ساختارهای برنامه ای نسبتاً پیچیده و حیطه نفوذ بارزی دست یافته اند. اما، غیر از موفقیت های این مجموعه از طرح ها و سازمانها، ارزشمندترین نتایج مساعی مخلصانه یاران در این زمینه عبارت از انباشت معلومات در مورد نحوه عملیاتی کردن رهیافت دقیقاً بهائی نسبت به توسعه اجتماعی و اقتصادی است. پیام اکتبر ۱۹۸۳ برخی از عناصر بسیار قابل توجه این رهیافت را بر می شمارد که برخی از آنها عبارتند از:

- وحدت عالم انسان، که اصل عملیاتی و در عین حال هدف غایی این ظهور الهی است، تلویحاً به حصول انسجامی پویا بین مقتضیات روحانی و عملی زندگی روی کره ارض دلالت دارد.
- این تلاش برای شرکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی برانگیزاننده تدبیر، انعطاف پذیری و همبستگی بسیاری از جوامعی می شود که عالم بهائی را تشکیل می دهند.
- اقداماتی که باید انجام شود، ضرورتاً باید در خود جامعه بهائی آغاز گردد، و احباً با عمل به موجب اصول روحانی، تحسین رفتار و استفاده از فنّ مشورت، سعی کنند خود را ارتقاء بخشند و به این ترتیب خودکفا و متکی به خویش گردند.
- پیشرفت در زمینه توسعه عمده مبتنی بر ایجاد انگیزه و هیجان طبیعی در میان عامه ناس است، و باید قوه محرکه خود را از منابع مزبور کسب کند نه از تحمیل نقشه ها و برنامه ها از سطوح بالاتر.
- اما جمیع آنها، صرف نظر از شرایط یا منابع، موهوب به استعداد هستند که در حدی عکس العمل نشان دهند؛ همه می توانند سهمی داشته باشند؛ همه می توانند در مجهودات وسیع مشترکی جهت به کارگیری سیستماتیک تر اصول امر مبارک برای ارتقاء کیفیت حیات بشر مشارکت نمایند.
- باید فعالیت های ما در زمینه توسعه به عنوان وسیله ای جهت تقویت امر تبلیغ، به عنوان ظهور عظیم تر ایمان در صحنه عمل مشاهده گردد.
- مشارکت صمیمانه و همه جانبه احباً در این فعالیت ها تحکیم عمیق تر جامعه در جمیع سطوح را تضمین خواهد کرد.
- کلید موفقیت عبارت از وحدت در روح و عمل است.

تجربه حاصله در ده سال گذشته اینک به نحوی مؤثر، وسیع و گسترده است که اجازه دهد جامعه بهائی به نحوی سیستماتیک تعداد و گستره فعالیت های توسعه اجتماعی و اقتصادی خود را در سالهای آینده توسعه بخشد. در این رابطه، تعدادی از نظریه هایی که شایان ملاحظه دقیق می باشد، ذکر می گردد.

۱- میزان پیچیدگی

به طور کلی، طرح های توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح عامه ناس در بهترین حالت خود با مجموعه نسبتاً ساده ای از اقدامات شروع می شود. یاران باید مجاز باشند، بدون فشار بی مورد از سوی عقایدی که غالباً صرفاً مبتنی بر ملاحظات نظری است، از فعالیت ها به طور طبیعی کسب تجربه کرده، گستره آن را توسعه بخشند. فی المثل، مدرسه ای خصوصی می تواند اساساً مرکزی برای فعالیت هایی مانند آموزش بهداشت، مشاور خانواده و احیاء جنگل بشود، ولی در اکثر موارد مقرون به مصلحت آن است که صرفاً به عنوان مدرسه ای آغاز به کار کند که جمیع منابع خود را بر اطفالی که قصد دارد به آنها خدمت کند، متمرکز نماید. البته، اصرار بر سادگی اقدام اولیه در سطح محلی، با پیچیدگی ذاتی خود طرح توسعه منافاتی ندارد. در واقع، ارتقاء اقدام محلی به سطحی معقول و منطقی از تأثیرگذاری، لازم است که تدریجاً منطبق با ساختارها در ناحیه محدود^۱، ناحیه و خود کشور که بتواند با میزان فزاینده ای از پیچیدگی نظری و اداری عمل نماید، توسعه یابد. والا توسعه اجتماعی و اقتصادی دچار این مخاطره می گردد که به سطح مجموعه ای از فعالیت های در خور تحسین اما فاقد انسجام و استحکامی که برای ترقی و پیشرفت مستمر و مداوم ضروری و اجتناب ناپذیر است، تنزل نماید.

۲- افزایش ظرفیت

غالباً گفته شده است که توسعه محصولی نیست که توسط "توسعه یافته ها" به "توسعه نیافته ها" تحویل داده شود. بلکه، جریانی است که مدافعین و طرفداران اصلی آن باید خود مردم باشند. بزرگترین نکته مورد توجه طرح های بهائی باید توسعه ظرفیت یاران برای تصمیم گیری درباره پیشرفت روحانی و مادی خود و بعد، اجرای این تصمیمات باشد. در یک طرح کمال مطلوب و آرمانی، در عین حال که اقدامی منسجم و ملموس به سوی بهبود و اصلاح برخی از وجوه حیات هدایت می شود، میزان توفیق به وسیله تأثیری که این اقدامات بر ظرفیت جامعه و تشکیلات آن می گذارند تا به مواضع توسعه در سطوح هر چه والاتر و برتری از لحاظ پیچیدگی و تأثیر گذاری بپردازند، سنجیده می شود.

با توجه به این موقعیت، رابطه بین توسعه و تحویل خدمات مستلزم بررسی است. البته برای بهائیان، خدمت یک اصل اساسی موجودیت بشر است؛ هر عملی، هر طرح شخصی یا مربوط به جامعه، باید با روح خدمت اجرا شود. تصور طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی که بر مبنای اصل خدمت اداره نشود، غیرممکن است. معذک، عرضه خدمات نباید به عنوان هدف اولیه و اصلی تعهدات امری در زمینه توسعه تلقی گردد. ثابت و مبرهن شده که رهیافت های به توسعه که بر اهداء کالاها و خدمات متمرکز باشد، که از خصوصیات برنامه های خیریه سنتی مذهبی و برنامه های رفاهی است، دارای اثرات تضعیف کننده و فرسایشی است و غالباً به فلج شدن قوا منجر می شود. در روستاهای عالم، جامعه بهائی باید در تحولات روحانی، اجتماعی و اقتصادی پیشرو باشد. روستا صرفاً به این علت که خدمات ساده در امور پزشکی و بهداشتی، خدمات مربوط به تحصیلات ابتدایی یا توسعه کشاورزی متمرکز بر اعتبارات و کمک های فنی دریافت می دارد، توسعه نمی یابد.

۳- یادگیری

آنچه که در مورد ظرفیت جامعه بهائی برای هدایت جریان تحول واجد اهمیت اساسی می باشد، توانایی اعضاء و تشکیلاتش برای به کار بردن آثار حضرت بهاءالله در وجوه مختلفه زندگی و به این وسیله تأسیس الگوهای ثابت و محکم تحول است. در واقع، یادگیری نحوه به کار بردن تعالیم مبارک برای حصول پیشرفت را می توان به عنوان نفس تعریف توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی تلقی کرد. اینچنین یادگیری باید در سطوح محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی رخ دهد و محوری شود که مساعی ما در زمینه توسعه در جمیع سطوح، حول آن سازماندهی گردد.

یادگیری از این لحاظ محدود به مطالعه و ارزشیابی نیست. بلکه در ترکیب با عمل و اقدام به ظهور می پیوندد. اجباء باید مرتباً به مشاوره، اقدام، بررسی و تأمل - تماماً با توجه به هدایت ذاتی در تعالیم امر مبارک - مشغول باشند. اینچنین جریان یادگیری می تواند در روستا و سطح محلی به نحوی بسیار ساده صورت گیرد، اما توسط تشکیلات و مؤسسات ملی در سطحی پیچیده تر عملی شود. در سطح بین المللی، این کار مستلزم میزان

¹ Micro-region

بالاتری از مفهوم سازی است. از آن نوعی که جریانات وسیع تری از تحول جهانی را، آنگونه که در آثار مبارکه توصیف شده، به حساب می آورد و متناسب با آن، برای اصلاح جهت کلی فعالیت های توسعه در هر کشور عمل می کند.

۴- توسعه منابع انسانی

یادگیری و افزایش ظرفیت با توسعه منابع انسانی ارتباط نزدیکی دارند. این که طرح ها و نظریه های مربوط به توسعه از بالا تحمیل نمی شوند، و این که تشکیلات باید به آرمانها و ابتکارات در سطح عامه ناس عکس العمل نشان دهند، از جمله خصوصیات تثبیت شده توسعه بهائی است. اما، به کارگیری هشیارانه این اصول دال بر آن نیست که هیچ ابتکار عملی را نتوان از بالا به دست گرفت. برنامه های تجربه شده و کاملاً طرح ریزی شده و رهیافتهایی به توسعه را می توان، در وهله اولی از طریق تعلیم و آموزش، در سطوح ملی یا بین المللی ترویج داد. البته، روش های آموزش باید تشویق به مشارکت نمایند و متواضعانه به سمت یادگیری اجرا شوند. والا آموزش به سوی ایجاد گروهی از افراد پیش می رود که بردگان شیوه مورد نظر برای انجام دادن امور هستند.

بعلاوه، نیاز به توسعه منابع انسانی محدود به هدایت شرکت کنندگان در طرح های عملی نیست. هزاران جوان بهائی در مدارس عالی و دانشگاه های سراسر عالم، و نیز تعداد فزاینده ای از اهل حرف که در زمینه های مرتبط با توسعه اجتماعی و اقتصادی کار می کنند، باید به مشارکت در جریان جهانی یادگیری که باید از لحاظ اندازه و گستره رشد کند، تشویق شوند. مسلماً طرح های توسعه بهائی را می توان به عنوان محلی مشاهده کرد که برای تعداد فزاینده ای از افرادی که از ملل فقیر و نیز ملل ثروتمند هستند و از بخش های مختلف اجتماع برخاسته اند، امکانات آموزشی فراهم می بیند.

۵- تأثیر بر اجتماع

صرف نظر از این که فردی که از دوره ای از همکاری و معاضدت با طرح توسعه بهره مند میگردد آیا نهایتاً به طور مستقیم در چنین طرحی وارد می شود یا خیر، توانایی به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله در امور اجتماع - کسی که از لحاظ عملی کاردان و مطلع است - شامل ارزشیابی ارزشمند برای مساعی آینده خود جهت خدمت و تأثیر بر اجتماع می شود. طرح های توسعه فی نفسه فرصت های عظیمی را در اختیار یاران می گذارند تا به طریقی که به مراتب فراتر از مساعی مبذوله جهت بهبود سرنوشت معدودی از نفوس است، در حیات اجتماع وارد شوند. اگر قرار باشد این بُعد از مساعی خود در زمینه توسعه را مورد استقاده قرار دهیم، سعه صدر و آزاداندیشی نسبت به معاضدت با نفوس برجسته و رهبران اندیشه که به مواضع ترقی و پیشرفت علاقمند هستند، و تمایل و توانایی به دعوت از آنها برای مشارکت در به کارگیری تعالیم مبارکه در مسائل معین، باید در جمیع سطوح ایجاد شود.

۶- هماهنگی و یکپارچگی

دروسی که در جامعه بزرگتر یاد گرفته شده باید در تفکر بهائی درباره توسعه اجتماعی و اقتصادی تلفیق شود. آنچه که در این میان اجتناب ناپذیر می باشد، نیاز به هماهنگی و یکپارچگی است. تجربه نشان داده است که فعالیت های پراکنده و جزئی در میادین مختلف مانند بهداشت، تعلیم و تربیت، کشاورزی، یا توسعه صنعتی به توسعه پایدار منجر نمی گردد. دانشی که باید ایجاد شود تا بر مسائل توسعه جوامع عالم تأثیر بگذارد متناسب با رشته و احد نیست. توسعه مؤثر قطعاً مستلزم اقدام هماهنگ چندبخشی و بین رشته ای است. نظریه توسعه متشکل ممکن است با اصلی که در بالا توضیح داده شد، یعنی این که اقدام در سطح عامه ناس باید ساده باشد و به نحوی شروع شود که خود جامعه بتواند آن را اداره کند، منافای به نظر برسد. اما، در صورتی که اقدام محلی به عنوان وسیله ای برای افزایش ظرفیت تلقی شود، این تناقض آشکار از بین می رود. در این صورت اهمیتی ندارد که توسعه جامعه عملاً با کدام فعالیت شروع شود؛ پیچیدگی تدریجاً با روندی طبیعی حاصل می شود. آنچه که باید از آن اجتناب نمود، تجزیه مصنوعی حاصل از برنامه های پراکنده و مجزایی است که توسط اهل حرفه در رشته ای مشخص در جمعیتی مورد نظر به اجرا گذاشته می شود، هر یک از آنها دانش و تجربه سایر گروه ها را ندیده میگیرند، هر یک برای منابع و نیز برای توجه مداوم مردمی که ایشان باید به آنها خدمت کنند با یکدیگر به رقابت می پردازند.

هماهنگی و یکپارچگی برای برنامه بهائی، معضلی مضاعف ایجاد می کند. در چارچوب بهائی، پیشرفت مادی را نمی توان از توسعه روحانی جدا کرد. مساعی مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی باید با توجه به شرائط و قرائن عمومی تر توسعه و تحکیم امرالله صورت گیرد. وقتی که این حاصل نشود، وقتی که تشکیلات مختلفی که در خدمت جامعه محلی است از مساعی یکدیگر کاملاً آگاه نیستند و در مورد ماهیت و گستره فعالیت های خود مشاوره نمی کنند، اداره طرح های توسعه دشوار می شود. توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی اگر از جریانات اصلی توسعه و تحکیم امرالله منتزع گردد، نمی تواند موفق شود و مستعد شکست می شود.

ما، با تمام شور و شوقی که برای پیگیری توسعه اجتماعی و اقتصادی در شرائط و قرائن توسعه و تحکیم داریم، باید از خطری که به پراکندگی و اتلاف قوا و ایجاد آشفتگی و اشتباه منجر می شود اجتناب نماییم: ممکن است کسی تحت تأثیر ارتباط متقابل جمیع عواملی که به توسعه جامعه منجر میشود، برانگیخته شود که توسعه اجتماعی و اقتصادی را مترادف با توسعه جامعه بهائی تعریف کند. طبق چنین تعریفی، تمام مجهودات مربوط به توسعه جامعه، از جمله تأسیس ضیافت نوزده روزه، تشکیل کلاسهای تعلیم و تربیت روحانی اطفال، و تقویت محافل محلی و ملی و مؤسسات تابعه آنها، باید به عنوان طرح های توسعه اجتماعی و اقتصادی تلقی شود. چنین تعریف گسترده ای این واقعیت را ندیده می گیرد که رشد جامعه بهائی نتیجه تعدادی فرایندهای دارای تأثیر متقابل است که هر یک از آنها توسط مؤسسات مختلف نظم اداری و نهادهای تابعه آنها با همکاری و معاضدت یکدیگر هدایت می شوند. توسعه اجتماعی و اقتصادی تنها یک جزء متشکله است و باید نقشی خاص در جریان رشد ایفا کند.

ب - دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی

آنچه که در بخش گذشته ملاحظه گردید تأسیس تدریجی مجاری و وسایلی در هر یک از جوامع ملی را مطرح می سازد که از طریق آنها تشکیلات، مؤسسات و سازمان ها بتوانند در خدمت نیازهای یاران در مساعی ایشان برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله برای حصول ترقی مادی برای خود آنها و هم وطنانشان باشند. آنچه که از طریق این مجاری جریان می یابد در وهله اولی یادگیری است، گو این که گسترش حمایت مالی و عرضه هدایت برای حل مسائلی که طبیعتاً در اثر اقدامات جامعه ایجاد می شود نیز حائز اهمیت است.

دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در حیفا در ترویج و هماهنگی توسعه جهانی اجتماعی و اقتصادی بهائی به بیت العدل اعظم مساعدت می نماید. هدف اولیه این دفتر تسهیل یادگیری در خصوص توسعه است که با پرورش و حمایت از اقدامات، بررسی و تأمل بر اقدامات، مطالعه، مشورت، جمع آوری و تدوین تجربیات، مفهوم سازی، و آموزش است که جمیع اینها با توجه به تعالیم امر مبارک صورت خواهد گرفت. از جمله سایر اقدامات مهم دفتر مزبور حصول اطمینان از این که منابع مادی به نحوی فزاینده برای مساعی توسعه بهائی موجود باشد، و نیز هماهنگ کردن جریان بین المللی چنین منابعی و علاوه بر آن اداره برخی از صندوق هایی است که برای طرح ها در نظر گرفته شده است.

افراد و تشکیلات غالباً درباره نحوه طراحی، اجرا و ارتقاء طرح های توسعه اجتماعی و اقتصادی از دفتر مزبور تقاضای راهنمایی می کنند. دفتر مزبور، با توجه به معلومات مکتسبه از طریق تحلیل گزارشهای عمده و مستند ساختن پیشرفت های سیستماتیک در تجربه توسعه بهائی، قادر است هدایت لازم را در اختیار این افراد و تشکیلات بگذارد و نتایج یادگیری حاصله در جامعه بهائی را به اطلاع آنها برساند.

با رشد طرحها از لحاظ اندازه و پیچیدگی، اعم از این که تحت هدایت مستقیم محافل روحانی ملی باشد یا توسط سازمانهای ملهم از تعالیم بهائی که از هدایت و حمایت تشکیلات امری استفاده میکنند راهنمایی شوند، ارتباط دفتر مزبور با آنها غالباً بغرنج تر و پرحمت تر می شود. برای آن که تعامل مؤثر با برنامه ها و سازمانهای عمده بهائی صورت گیرد، دفتر مزبور از افرادی که در زمینه توسعه مجرب هستند دعوت می کند که، هر یک در افزایش توسعه یک سازمان خاص، با آن همکاری کنند. چنین فردی در نقش خود به عنوان یک همکار، تعدادی از مسئولیت ها را از طرف دفتر به عهده می گیرد. آنچه که در این میان از همه مهم تر است کمک به سازمان مورد نظر برای تثبیت بینش شفاف و روشن خود، نقش خود و مقصد خویش است؛ بینشی که به طور ادواری مورد بررسی مجدد قرار می گیرد و برای این که همگام با پیشرفت امرالله در منطقه باشد، مورد اصلاح و اعلام مجدد واقع می شود. بر اساس این بینش در حال تکامل، تدابیر واضح و مشخص باید ابداع گردد و به طور مرتب تعدیل و اصلاح شود. بر مبنای این تدابیر، طرح هایی در امتداد خطوط متنوع عملی ایجاد می شود و پیشنهادهای مناسب مطرح میگردد و برای تأمین مالی و سایر مساعدتها، به نحوی متناسب به مؤسسات

مختلف عرضه می‌گردد. همکاری تعیین شده همچنین به توسعه ساختار سازمانی انعطاف پذیر، که عاری از تناقضات باشد، با مجاری شفاف برای اتخاذ تصمیم، وسایل اجرایی مناسب، و روش های کافی برای ارزیابی کمک میکند. البته، جمیع این وظایف تحت هدایت محفل روحانی ملی و با مشورت با مشاورین، که نقش حیاتی آنها در این رابطه در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ بیت العدل اعظم مطرح گردید، باید اجرا شود.

امید چنان است که با تسهیل تماس مستقیم در میان همکاران، دفتر بتواند شبکه غیررسمی پدید آورد که از طریق آن، تجربه ها را بتوان در اختیار کل گذاشت و یادگیری به طریقی طبیعی صورت گیرد. وجود چنین شبکه ای از افراد، که تعدادی از آنها تماس های خود را با منابع مالی خواهند داشت، به نحوی بارز اساس تعامل جامعه بهائی با مؤسسات اهداء کننده کمک های مالی را وسعت خواهد بخشید. این افراد همچنین کمک خواهند کرد که دانشجویان دانشگاه ها و صاحبان حرفه علاقمند به توسعه اجتماعی و اقتصادی با برنامه های امری در تماس باشند تا، به مرور زمان، تعداد فزاینده ای از این برنامه ها و سازمانها از طریق کارورزی با طول مدت های مختلف برنامه های آموزشی برگزار نمایند.

علاوه بر حمایت گروهی از برنامه ها و سازمانهای عمده، انتظار می رود که خود دفتر مزبور، در مقیاسی بین المللی برخی رهیافتها و روشهای مربوط به توسعه را که تأثیرگذاری آنها ثابت شده ترویج دهد. فی المثل، در چند سال گذشته رهیافتی بسیار مؤثر برای سوادآموزی پدید آمده است. اقدام گسترده جهانی پیش بینی شده که در آن، در کشوری بعد از کشور دیگر، گروهی از افراد منتخب با مفاهیم بنیادی رهیافت آشنا می شوند و از آنها خواسته می شود این روشها را اتخاذ نمایند و مطالب را برای استفاده در کشور خود آماده سازند. متعاقباً، همین افراد می توانند دیگران را تعلیم دهند که به عنوان تسهیل کننده کلاس های سوادآموزی عمل کنند تا کلاس هایی را بتوان در صدها نقطه در سراسر کشور تأسیس نمود. همچنین، در مراقبت اولیه بهداشتی، تجربه عالی در سالهای اخیر حاصل شده است. این تجربه را میتوان اکنون تحلیل نمود، روشها و مطالب مناسب را تعریف کرد و باز هم در کشوری بعد از کشور دیگر، آموزش مددکاران بهداشتی را می توان به نحوی قاطعانه پیگیری نمود.

ج - زمینه های عمده اقدام

زمینه های عمده اقدامی که دفتر باید در سالهای آینده پیگیری نماید عبارت از تعلیم و تربیت، سوادآموزی، مراقبت های اولیه بهداشتی، و توسعه پایدار روستایی است. همانطور که در بالا ذکر شد، باید با تمرکز بر فعالیت های عمده آموزشی ناحیه ای به سوادآموزی و مراقبت اولیه بهداشتی پرداخت. برای توسعه هماهنگ روستایی، این زمینه ای است که تجربه سیستماتیک بهائی در آن بسیار اندک است. اما، میزان زیادی تجربه ارزشمند خارج از جامعه امر وجود دارد و با کمک بعضی از افراد بهائی که در این زمینه شناخته شده و مقبول هستند، جمع آوری معلومات لازم، تحلیل آن و حرکتی آغازین در این زمینه اساسی توسعه میسر می گردد. آنچه که لازم است طرح پیچیده توسعه نیست، بلکه طریقه عملی با پیچیدگی فزاینده می باشد که می تواند به تأسیس برنامه توسعه هماهنگ و پایدار در سطح ناحیه محدود منجر شود.

تردید نمی توان داشت که تعلیم و تربیت در آینده ای قابل پیش بینی، همچنان مهم ترین نکته مورد توجه در مساعی توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی در سراسر عالم خواهد بود. سه زمینه مرتبط با هم، مدارس بهائی، برنامه های خاص نوجوانان و تعلیم و تربیت اخلاقی، سزاوار توجه خاص می باشد.

تجربه نشان داده است که مدارس بهائی در مراحل مختلف توسعه خود، حداقل با سه معضل باید روبرو شوند. اولین مورد به عملکرد مدرسه مربوط می شود، یعنی سازماندهی فضای فیزیکی، انتخاب برنامه های قابل قبول، و برپایی ساختار علمی و اداری مؤثر. ثابت شده است که برای اکثر مدارس این وظیفه ای سخت و شاق بوده و وقت و قوای بیش از حدی را به خود اختصاص داده است. اما، با تجربه ای که در دهه گذشته حاصل شده، اکنون ایجاد مجموعه ای از رهنمودها برای کمک به مدرسه های بهائی، اعم از آن که به بخش خصوصی متعلق باشد یا به تشکیلات، میسر است تا بتوانند با سهولت بیشتر با این معضل روبرو شوند.

معضل دوم به جریانی مربوط می شود که توسط آن خصوصیت بهائی مدرسه بارز میشود. معمولاً بر حسب جوّ مدرسه، روابط میان نفوس و فعالیت های فوق برنامه، به این موضوع پرداخته میشود. در این مرحله کلاس های یک یا دو ساعته، که به نحوی مبهم به عنوان تعلیم و تربیت اخلاقی توصیف میشود، نیز عرضه می گردد. توجه به این نکته جالب است که حتی با تغییرات اندکی در معدودی از اجزاء متشکله فرایندهای آموزشی، مدارس بهائی به علت برخورداری از معیارهای عالی مشهور شده و در جوامعی که در آن عمل می کنند از احترامی قابل توجه بهره مند شده اند.

معضل سوم که ندره تا کنون به آن پرداخته شده است، به توسعه برنامه های ملهم از تعالیم بهائی مربوط می شود. اقدام به چنین توسعه ای باید به نحوی بی نظیر مناسب با شرایط و فرصت های جامعه بهائی باشد. انتظار نامعقولی خواهد بود که تعلیم و تربیت بهائی توسط گروهی از افرادی که مستغرق در علوم هستند ابداع گردد، هر قدر که معلومات امری و تربیتی آنها عمیق باشد. توسعه تدریجی محتوا و روشهای تعلیم و تربیت بهائی به احتمالی زیاد در اثر فعالیت های متنوع تعداد فزاینده ای از مربیانی که در محیط های متغیر فرهنگی و بوم شناسی در سراسر عالم فعالیت می کنند ایجاد خواهد شد. تحقیق سیستماتیک و مطالعه آکادمیک با کیفیت بالا، نه به عنوان فعالیت های مجزا و منفرد، بلکه به عنوان اجزاء متشکله جریانی که طرح برنامه های آموزشی در آن، ارتباط نزدیک با مبادرت به آموزش و تدوین تجربیات آموزشی داشته باشد، ضرورت دارد. نقش دفتر در پرورش چنین مفهومی بسیار حیاتی است. هر گونه تلاشی برای ندیده گرفتن آن، با مطرح ساختن مثلاً، مفهوم برنامه آموزشی اصلی جهانی در یکی از مراحل اولیه دارای نتیجه معکوس خواهد بود.

مدارس بهائی دارای اهمیتند، اما متمرکز کردن کلیه قوا بر توسعه آنها تدبیری سلیم و صحیح نیست. با سقوط و فروپاشی نظام های آموزشی جهان، تقاضای تشکیلات آموزشی — که با روستاها، شهرهای کوچک و شهرهای بزرگ آغاز می شود و به زودی به تمامی کشورها خواهد رسید — برای برخورداری از محتوای جدید و تعلیم معلم به میزان شگرفی افزایش خواهد یافت. با همین تلاشی که برای ایجاد و حفظ یک مدرسه بهائی میذول می شود، صدها معلم متعلق به نظام های رسمی را میتوان تعلیم داد که چگونه عناصر آموزشی متعدد ملهم از تعالیم بهائی را در فعالیت های روزانه خود بگنجانند. در دو زمینه، یعنی تعلیم و تربیت اخلاقی و آماده سازی جوانان و نوجوانان برای زندگی آینده، فرصتها برای نفوذ بهائی تقریباً نامحدود است.